

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אברהם אבינו

14 آدار اول 5782

جهت حفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

תרומה

5 פ ת א ר י רו ש 5

میدراش تعریف می‌کند پدری ، قبل از وفات خویش یک مزرعه بزرگ را به دو فرزند خود به ارث گذاشت. یکی از برادران داری همسر و چند فرزند بود و دیگری هنوز ازدواج نکرده بود. روز درو فرا رسید و برادران ، مزرعه را درو کردند و محصول را نصف نصف قسمت کردند.

نیمه شب ، برادر مجرد از خواب بیدار شد و با خود گفت: "من چطور می‌توانم نیمی از محصولات را برای خودم بردارم؟ بر دارم ، همسر و چند فرزند دارد و حتماً خرج زندگی او زیاد است."

بعد از این فکر ، از تخت بلند شد و چندین خرمن از محصول خود را برداشت تا به سمت خانه برادر خویش ببرد. برادر متأهل نیز نیمه شب از خواب بیدار شد و با خود گفت: "برادر من هنوز ازدواج نکرده و برای خرج و مخارج ازدواج به پول بسیاری نیاز دارد. خوب نیست من نیمی از محصولات را برای خودم بردارم."

او نیز از تخت خواب بلند شد و چندین خرمن از محصولات را برداشت تا به سمت خانه برادر خود ببرد. در بین راه ، هر دو برادر با هم ملاقات کردند در حالی که هر کدام چند خرمن محصول را به همراه داشتند. هر دو برادر همدیگر را در آغوش گرفتند و خوشحال شدند که هر کدام به فکر دیگری است و خواهان خوبی دیگری است. در آن موقع خد-اوند گفت: "من ، بیت همیقداش را در همین مکان می‌سازم ، مکانی که هر برادر به فکر خوبی برادر خود بود ، این بهترین جا است که من در آن ، نور جلال خود را مستقر کنم."

از این میدراش معلوم می‌شود وقتی شخصی به فکر دیگری است و با او همدردی می‌کند ، بدین صورت مزکی می‌شود تا برای سکونت نور جلال ا-لهی مکانی را تهیه می‌نماید.

هخافص خبیم روحش شاد در این باره می‌نویسد: "شخص باید تصور نماید یک راو بزرگ ، برای مثال هگائون ربی الیاهو از ویلنا در خانه او میهمان است ، در کنار این راو بزرگ رفتار انسان چگونه

در این پاراشا می‌خوانیم خد-اوند به مشه ربنو دستور می‌دهد تا قوم بیسرائل برای ساخت میشکان هدایایی را بیاورند و میشکان ساخته شود تا "من در آنها مستقر شوم."

در اینجا خد-اوند دستور می‌دهد یک میشکان ساخته شود ، پس چرا در انتهای مطلب می‌نویسد: "در آنها"؟ لازم بود که توراہ بنویسد: "در آن."

توراہ این مورد را در پاراشای تصوه بیشتر توضیح می‌دهد و می‌فرماید خد-اوند ، میشکان را مقدس نموده و در میان قوم بیسرائل مستقر می‌شود. پس در اینجا منظور این است که با ساخت میشکان ، خد-اوند در میان قوم بیسرائل مستقر می‌گردد و منظور از "آنها" قوم بیسرائل و نه میشکان است.

ربی مشه الشیخ روحش شاد در این باره می‌نویسد: "توراہ می‌فرماید: برای من میشکان بسازند تا در آنها مستقر شوم؛ در آنها و نه در آن ، زیرا نور جلال ا-لهی در بین آدمیان و نه در خانه‌ای که برای او می‌سازند ، مستقر می‌شود."

ربی الیاهو ویداش روحش شاد نیز این مورد را در کتاب رثیثت خوخما به همین صورت توضیح می‌دهد.

وقتی شلومو هملخ ، بیت همیقداش را ساخت ، خد-اوند به او می‌فرماید: "این خانه‌ای که تو برای من می‌سازی ، اگر در راه قوانین من قدم برداری... در میان قوم بیسرائل مستقر خواهم شد و قوم خود بیسرائل را ترک نخواهم کرد." در اینجا نیز معلوم می‌شود که بیت همیقداش ساخته شد تا خد-اوند در میان قوم بیسرائل مستقر گردد و تا وقتی که بیت همیقداش آباد بود ، نشان بر این بود که خد-اوند در میان قوم بیسرائل مستقر است.

حال این سؤال پیش می‌آید چگونه خد-اوند در تک تک ما مستقر خواهد شد؟ وقتی شلومو هملخ ، بیت همیقداش را ساخت ، فرمود: "حال آسمان بی‌کران نمی‌تواند برای تو جایی باشند". بر این مبنا ، چگونه انسان می‌تواند برای خد-اوند مکانی را تهیه نماید؟

درخواست او را گوش داده و پاسخ درخواست او را بدهد ، زیرا این مکان با همدردی با دیگری و به فکر دیگری بودن انتخاب شد. ما نیز می‌توانیم این رفتار را سرمشق خود قرار داده ، با به فکر دیگران بودن ، می‌توان برای نور جلال الهی مکانی را تهیه و نجات کامل را تسریع بخشیم.

خواهد بود؟ چقدر آدم سعی می‌کند تا رضایت آن راو را جلب کند تا او بیشتر در خانه او بماند. پس صد البته خد-اوند که در نزد انسان میهمان است ، تا چه حد فرد باید مواظب رفتار و اعمال خویش باشد و به گونه‌ای رفتار نماید که خد-اوند بیشتر در خانه آدم بماند. ” واقعاً وقتی شلومو هملخ ، بیت‌همیقداش را ساخت ، تفیلا خواند تا هر شخصی که به بیت‌همیقداش می‌آید و درخواستی دارد ، خد-اوند

مساب و کتاب اعمال

کسی که این چنین زندگی می‌کند ، نمی‌تواند در دادگاه الهی هیچ پاسخی داشته باشد. هر عمل و رفتار شخص باید با حساب و فکر باشد و باید با خود بسنجد چگونه می‌تواند بیشتر در درجات توره و خد-اترسی بالا برود. هم چنان که شخص در مسائل این دنیا نمی‌گوید: ” آن چیزی که دارم کافی است. ” و همواره در سعی و تلاش است که بیشتر و بهتر داشته باشد ، پس صد البته که در موارد عالم باقی و معنویت نیز فرد باید حساب و کتاب کار را در دست گرفته و سعی نماید همیشه به مقام بالاتری برسد.

یک بار هخافص خیییم از کنار یک کنیسا رد می‌شد که پیر مردی داشت برای تفیلائی جماعتی ، آدم جمع می‌کرد. آن شخص به نزد خافص خیییم آمد و پرسید: ” شما تفیلا خواندید؟ ” خافص خیییم با تواضع پاسخ داد: ” تفیلا خواندم؟ شاید فقط لبان خود را تکان دادم. ”

حال وقتی شخص تفیلا می‌خواند ، باید با خود حساب و کتاب نماید که آیا واقعاً تفیلا خوانده‌ام؟ آیا از همان ابتدای تفیلا و تا انتهای تفیلا با نیت و تواضع در مقابل خد-اوند ایستادم؟ آیا اصلاً چنین احساسی داشتم که در مقابل خد-اوند ایستاده‌ام و با او صحبت می‌کنم؟ و یا اینکه تمام تفیلا را بدون نیت و بی‌حواس از روی سیدور یا از حفظ خواندم؟ آیا این مورد نامش تفیلا است؟! شخص باید همواره خود را در تفیلا خواندن محکم نماید و سعی کند بهتر و با نیت بیشتر تفیلا بخواند.

در ایام روش هشانا تفیلا خواندیم و از خد-اوند درخواست کردیم به ما زندگی بدهد تا به سبب عبادت خد-اوند ، زندگی کنیم. حال خد-اوند به ما زندگی بخشید پس باید از خود بپرسیم آیا زندگی ما به خاطر عبادت خد-اوند است؟

انسان مملو از رفتارها و عادات ناشایست است و اگر حساب و کتاب اعمال خویش را نداشته باشد ، به ویرانی خواهد رسید. در کتاب برشیت خواندیم چطور حسادت بین برادران ویرانی به وجود آورد و چگونه رفتار فرعون ، مصر را به ویرانی رساند. تمام کتب برشیت و شموت تا دریافت توره برای اصلاح رفتار و اعمال انسان صحبت می‌کند و شخص باید با تأمل در این موارد ، حساب زندگی خود را به دست گیرد.

ما ادار را شروع کرده و می‌توان گفت نیمی از سال سپری شده است. باید با خود حساب و کتاب نمود و دید در طول این مدت چه کرده‌ایم و چگونه می‌توان بهتر خد-اوند را عبادت کرد. نباید گذاشت ایام سال و کلاً روزهای عمر بی‌حساب و کتاب سپری شوند. قبل از هر مورد ، باید زمانی را در روز برای آموزش توره معین نمود ، زیرا هم چنان که زوهر می‌نویسد ، هر فردی که از توره دور است ، از خد-اوند دور است. ولی فقط توره کافی نیست و شخص باید اعمال خویش را بررسی و حساب و کتاب اعمال خود را در دست داشته باشد.

یکی از ریش سفیدان دوره قبل تعریف کرد یک بار به شهرک رادین رسید و شب شبات به دراشای هخافص خیییم رفت. در آن زمان ، هخافص خیییم دو بار در شبات ، یک بار در شب شبات و بار دیگر قبل از خروج شبات دراشا می‌گفت. تمام دراشا در این مورد بود که اصل محاکمه انسان در عالم باقی این است که چرا بدون حساب و کتاب زندگی می‌کرده و چرا حواسش به اعمال خود نبوده است.

کلاً این بسیار عجیب است که شخص می‌تواند بدون حساب و کتاب زندگی کند و با این حال خیال او راحت و آسوده باشد. انسان ، چه افراد عادی و صد البته مغازه‌داران و تاجران بزرگ تمام موارد خویش را با حساب و کتاب جلو می‌برند. هر کس باید حساب و کتاب داشته و بداند چه خریده ، چه فروخته ، چقدر درآمد دارد و چقدر خرج کرده است. در اداره خانه نیز ، چنین است و هر کس حساب و کتاب می‌کند چه ، از کجا و به چه قیمتی می‌خرد. اگر فرد بدون حساب و کتاب باشد ، بسیار زود به بن بست و ویرانی می‌رسد. پدر و مادر همیشه حساب و کتاب را در دست دارند که این مبلغ درآمد داریم و بر طبق این درآمد باید مخارج خانه و خرید و خوراک را انجام داد. حال اگر در مسائل این دنیا شخص همیشه حساب و کتاب می‌کند ، پس صد البته در موارد عالم باقی باید حساب و کتاب داشته باشد.

هم چنان که فرد در مخارج و مسائل این دنیا حساب و کتاب دارد ، در مسائل عالم باقی نیز حداقل باید همین حساب و کتاب را داشته باشد. نباید وضعیت چنین باشد که روزها و سالها همینطور سپری شوند و شخص با خیال آسوده بگوید: ” خوب هر می‌صوایی را که توانستم ، انجام می‌دهم و همه چیز خوب خواهد بود. ”

این عمل ، علاوه بر اینکه باعث می‌شود تا انسان حساب و کتاب روزها و زندگی خود را در دست گیرد ، علاوه بر این باعث می‌شود در درجات خد-اترسی بیشتر بالا رود و هم چنان که کتاب زوهر می‌فرماید ، شخص خد-اترس از قضاوت جهنم رهایی می‌یابد.

برگرفته از "مکید دواراو ليعقوب"

هر روز باید اعمال خویش را مرور و آنها را حساب نمود که آیا امروز در عبادت خد-اوند موفق بوده‌ایم یا خیر.

در کتاب زوهر هقادوش آمده است هر شب قبل از خواب ، شخص باید اعمال آن روز خویش را مورد حساب و کتاب قرار دهد و اگر اعمال ناشایستی انجام داده ، باید از آنها توبه و از خد-اوند طلب رحمت نماید.

ساخت میشکان

میدراش می‌نویسد بصلتل می‌دانست چگونه حروفی که با آنها آسمان و زمین آفریده شدند را با هم ترکیب کند و با این دانش ، بصلتل میشکان و ظروف آن را ساخت.

کلاً در تمام مراحل ساخت میشکان ، معجزات بسیاری اتفاق افتاد. برای مثال ، تیر وسطی که در وسط تمام ستون‌ها وارد می‌شد تا ستونها محکم باشند. این تیر نیز از چوب و به اندازه تمام طول میشکان بود و وقتی این تیر به زاویه‌ها می‌رسید ، کج شده و به داخل دیوار زاویه بعدی می‌رفت. یا اینکه وزن هر ستون حداقل دو تن بود و تمام این وزن ، روی یک پایه نیم متری می‌ایستاد. این واقعاً معجزه است که چطور ستونهایی به این سنگینی کج نشدند و چطور تمام میشکان ویران نگشت. یا اینکه چطور موفق شدند چوب این ستونها را به صورت صاف و یک دست ببرند که در کنار یکدیگر بایستند؟ آنها نه اره برقی و نه دیگر وسایل و تجهیزات امروزی را داشتند.

شخصی که واقعاً در تفسیرات توره تأمل نماید و ببیند چگونه در آن دوره این میشکان را ساختند ، متعجب می‌شود که چطور این همه معجزه و آن هم هر روزه ، در ساخت و برپایی میشکان اتفاق افتادند. پند این مورد این است که ساخت میشکان و یا بیت‌مقداش برای استقرار نور جلال الهی ، فقط یک امر مادی نیست که بتوان آن را با پول و یا مواد اولیه حل نمود ، بلکه معجزات بسیاری لازم است تا همه موارد به خوبی و با ترتیب جلو بروند و مهتر از همه اینکه نور جلال الهی در آن مکان مستقر گردد.

واقعاً نیز مفسران توره می‌گویند تنها موردی که قوم یسرائل لازم بود بیاورند همین قلب خویش بود ، رضایت قلب برای آوردن هدیه‌ها و پیش قلب برای ساخت میشکان و ظروف آن. باید از این مورد پند گرفت که عبادت خد-اوند لازم نیست با پول و مادیات باشد ، بلکه باید با نیت قلب و خلوص نیت انجام شود. وقتی فرد مشغول انجام میصوا می‌شود ، ابتدا باید قلب خود را فعال کند و با احساس و نیت کامل میصوا را انجام دهد.

در این پاراشا می‌خوانیم خد-اوند ، به قوم یسرائل دستور می‌دهد تا میشکان بسازند و برای ساخت میشکان ، لازم بود تا هر کدام از افراد ، قوم یسرائل هدیه بیاورند ، از طلا ، نقره و مس گرفته تا چوب و دیگر موارد ، هم چنان که توره در این پاراشا توضیح می‌دهد. قوم یسرائل این هدایا را آوردند و توره می‌نویسد هدایایی که جمع شد ، کافی و بسیار بود و به همین سبب مشه ربنو اعلام نمود دیگر برای ساخت میشکان هدیه نیاورند و به همین جهت ، دیگر قوم یسرائل هدیه نیاورند.

ظاهراً به نظر می‌رسد مشکل این بود که برای ساخت میشکان هدیه جمع شود و پس از اینکه قوم یسرائل هدیه‌ها را آوردند و برای ساخت میشکان همه چیز فراهم بود ، دیگر لازم نبود که برای موارد مورد نیاز میشکان دلوپس بود و فقط کافی بود تا متخصصان بیایند و ساخت میشکان را آغاز نمایند.

برای مثال ، اگر بخواهیم در محله‌ای کنیسا بسازیم ، ابتدا افراد محل می‌گویند در این مکان ، کنیسا و جایی برای آموزش توره نیست و باید جایی ساخته شود که در آن ۵۰۰ نفر از افراد قرار گیرند تا در موعدها و روزهای روش‌هشانا و کیپور ، همه بتوانند به کنیسا بیایند و به‌راحتی تفیلا بخوانند.

در اینجا اولین مشکل ، تهیه پول است ، زیرا ساخت چنین ساختمان بزرگ و مجللی پول بسیاری لازم دارد. اگر شخصی پیدا شود که بتواند تمام پول ساخت و ساز را داده و قول بدهد تمام مبالغ ساخت کنیسا را می‌پذیرد ، پس همگی نفسی راحت می‌کشند و می‌دانند دیگر مشکل اصلی حل شده و فقط باید منتظر بود تا مهندسان و بنایان این ساختمان را بسازند.

ولی در ساخت میشکان مسئله این چنین نبود ، زیرا در ادامه پاراشاها در مورد بنای میشکان ، توره توضیح می‌دهد که باید ظروف میشکان را ساخت و لباسهای افراد کهن را تهیه نمود و غیره و در تمام این موارد ، آسان‌ترین مورد تهیه مواد لازم بود ، ولی درست و آماده کردن این موارد قسمت مشکل بود ، زیرا لازم بود افراد عاقلی بیایند و این موارد را تهیه و درست کنند.

خواستۀ قلبی

نبود. پس چطور هدایایی که قوم یهود برای ساخت میشکان آوردند ، به اندازه بود و حتی زیاد هم آمد؟

השל"ה הקדוש ו רבי יונתן איבשיץ در این باره می‌نویسد به اندازه‌خواستۀ قلبی هر شخص ، این موارد براخا می‌گرفتند و چند برابر می‌شدند. مثلاً اگر کسی یک تکه طلای ناب می‌آورد و در دل با خود

در این پاراشا آمده است پروردگار دستور داد از هر کس که می‌خواهد ، برای ساخت میشکان هدیه بگیرند.

حال با خواندن ابعاد میشکان ، متوجه می‌شویم نیاز به مقدار بسیاری طلای ناب و سنگهای قیمتی بود که این مقدار در اختیار قوم یهود

می‌کنم تا کسانی که به تورا علاقه دارند ، بتوانند با خیال راحت تورا بخوانند ، نه اینکه فرستاده ی‌شیوا برای خود اسب و کالسکه بخرد و به این صورت پول ی‌شیوا را به هدر دهد."

הגאון רבי חיים מוולוז'ין به وی فرمود: اگر خوب در ساخت میشکان توجه نمایی ، درباره **בצלאל** نوشته شده است: "**בצלאל** در تمام کارها دانا بود و در طلا نیز بینش داشت" ، حال منظور تورا از این امر چه می‌باشد؟

پاسخ این است که در میشکان قسمتهای مختلفی وجود داشت که قدوسیت هر قسمت با قسمت دیگر فرق داشت. حال همه می‌خواستند هدیه آنها در مقدس‌ترین مکان به کار برده شود. به همین سبب پروردگار **בצלאל** را مأمور کرد تا با روح مقدس خویش ، از خواسته‌های قلبی مردم اطلاع پیدا نماید و هدیه کسی را که واقعاً از صمیم قلب بود ، در مقدس‌ترین مکان به کار برد که از چشم همه دور بود و فقط **הכהן הגדול** در روز کیبور ، به آنجا وارد می‌شد ، کسی که هم به سبب رضای خدا-اوند و هم احترام خود هدیه داده بود ، هدیه او در مکانی به کار برده شد که قدوسیت آن کمتر و بیشتر در چشم بود و کسی که فقط به دلیل بالا بردن احترام شخصی خود هدیه داده بود ، هدیه او در قسمت بیرونی به کار برده شد و در برابر چشم همه بود. حال کسی که واقعاً از صمیم قلب به ی‌شیوا کمک می‌کند ، هدیه او خرج دانش‌آموزان ی‌شیوا می‌شود ، کسی که هم به سبب تورا و هم به احترام شخصی خود به ی‌شیوا کمک می‌کند ، کمک او خرج فرستاده ی‌شیوا می‌شود و کسی که فقط جهت بالا بردن احترام خود به ی‌شیوا کمک می‌کند ، کمک او خرج غذای اسب می‌شود!

می‌گفت ، کاش چند تکه دیگر داشتیم تا بتوانم آن را برای ساخت میشکان هدیه دهم ، به اندازه خواسته قلبی آن شخص ، آن تکه چند برابر می‌شد ، زیرا پروردگار ، این خواسته پاک قلبی آنها را برآورده می‌کرد.

הבן איש חי در کتاب **אדרת אליהו** در مورد خواسته قلبی انسان می‌نویسد: کسانی که از صمیم قلب و با خوشحالی هدیه می‌آوردند ، هدیه آنها در مقدس‌ترین مکان میشکان (**קודש הקדשים**) به کار برده می‌شد و کسانی که هدیه آنها از صمیم قلب نبود ، از هدیه آنها ، در قسمت بیرونی مقدس‌ترین مکان (**קודש הקדשים**) استفاده می‌گردید. زیرا تمام دنیا و تمام طلا و جواهرات از آن خدا-اوند می‌باشد و پروردگار فقط پاکی قلب انسان را می‌خواهد."

در مورد **הגאון רבי חיים מוולוז'ין** تعریف شده است وقتی ی‌شیوای خود را بنا نمود ، هر ساله شخصی را می‌فرستاد تا برای نگهداری امور ی‌شیوا پول جمع کند. پس از چندی فرستاده **הגאון רבי חיים מוולוז'ין** درخواست نمود تا برای او اسب و کالسکه بخردند تا در راه زیاد معطل نشود ، **הגאון רבי חיים מוולוז'ין** نیز با این امر موافقت کرد و برای فرستاده ی‌شیوا ، اسب ، کالسکه و لباسهای مناسب تهیه کرد. وقتی فرستاده **הגאון רבי חיים מוולוז'ין** به نزد یکی از افرادی رسید که هر ساله پول زیادی در اختیار ی‌شیوا می‌گذاشت ، آن شخص گفت حاضر به دادن پول نمی‌باشد و از تمام کمکهایی که به ی‌شیوا کرده ، منصرف شده است.

הגאון רבי חיים מוולוז'ין خود به نزد این شخص آمد و علت این مورد را جویا شد. آن شخص در پاسخ گفت: "من به ی‌شیوا کمک

قابل توجه خوانندگان گرامی

نشریه هفتگی **אור לדור** در زمان اخیر با کمبود مالی جدی روبرو شده است که در صورت عدم دریافت کمک مالی از چاپ و پخش نشریه برای چندمین بار معذور خواهد گشت. این مورد سبب گشته این نشریه تنها به تعداد نسخ محدودی چاپ و نشر اکتفا نموده و در اختیار افراد معدودی قرار دهد و بدین ترتیب سایرین از دریافت آن محروم بمانند که در صورت عدم توجه ، موفق به تهیه این تعداد محدود نیز نخواهد گشت.

واقعاً اکنون: لمظهای تفکر... ۱۱۱

اما پس از تفکر ، باید عمل نمود آیا عدالت است که تنها به علت کمبود مالی از داشتن نشریه‌های فارسی زبان که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشند محروم باشیم پس خواهشمند است جهت کمک به این نشریه اقدام فرمایید . با کمک به این نشریه علاوه بر درج اسامی و اختصاص انتشار ، به منظور سلامتی و موفقیت افراد و یا شادی روح و روان رفتگان خویش ، مزکی خواهید گشت که توسط تلمید خاخام جهت سلامتی ، موفقیت و سرافرازی شما در نزد مقبره "خاخام اوریل داویدی" به دعا و تفیلا پرداخته شود.

جهت کمک به این نشریه لطفاً با شماره تلفن یا واتس‌آپ **۰۵۴-۶۴۹-۳-۶۴۹** تماس حاصل فرمایید.